

قوانین معماری و آزادی معماران

محدودیت‌هایی که قوانین بر معماران تحمیل می‌کنند^۱

بهرام سیاوش پور^۲

کلیدواژگان: قوانین معماری، آزادی، نظم، سطوح انتزاع قوانین، هنجارها.

چکیده

معماری در مقیاس کلینی که اجزای آن مالکان و معماران مختلفی دارند، زمانی دارای نظم عمومی خواهد بود که هنجارهای شکل دهنده به اجزای مستقل آن، مشترک باشند. هنجارهای قانونی (قوانین)، مقررات، ضوابط، و طرح‌های بالادست)، هنجارهای اجتماعی، هنجارهای اخلاقی، و هنجارهای رویه‌ای (تکنولوژی اجرا)، اجزاء هنجارهای مشترک اند. اگر احکام صادرشده از سوی هنجارهای قانونی به معماران، انعطاف‌پذیر شوند، سایر هنجارهای مشترک در کنار هنجارهای قانونی نظم اجتماعی را خواهند ساخت. برای خروج قوانین از حالت جمود، اشکال انتزاعی از احکام می‌توانند در برخی سطوح با احکام عملی جابه‌جا شوند تا ضمن حرست از جهت‌گیری‌های اصلی، آزادی معماران حفظ شود.

این مقاله در راستای بسط مفهوم آزادی معماران در قبال قوانین بالادست نگاشته شده و کنکاشی است جهت انتظام دادن به سطوح انتزاع قوانین. بدین منظور ابتدا دسته‌بندی‌های زیر صورت بسته است: ۱. دسته‌بندی قوانین با توجه به سطوح انتزاع مفاهیم درون قوانین؛

۲. دسته‌بندی قوانین با توجه منشأ قوانین؛ ممکن است یک قانون معماری مستقیماً منگی بر مواضع عقیدتی یا پژوهش‌های اثباتی باشد، یا اینکه به استناد طرح‌های بالادست و برنامه‌های شهری تدوین شود که خود بر تئوری‌های عقیدتی یا اثباتی تکیه دارد. ۳. دسته‌بندی قوانین با توجه به مراجع تصویب آنها و فاصله زمانی، مکانی و اداری موجود میان مرجع تصویب و معماران. در دسته‌بندی شماره ۲، قابلیت هر دسته به لحاظ برخورداری از سطوح انتزاع، تحقیق خواهد شد و در دسته‌بندی شماره ۳ چگونگی کاهش فاصله میان مراجع تصویب و معماران بررسی می‌شود.

۱. مقدمه

آزادی در لغت به معنی رهایی از بند (کالبدی یا معنوی) و همچنین به معنای اختیار در مقابل جبر آمده است. قانون در معنی عام خود، در منابع حقوقی در مقابل عرف به کار برده می‌شود و به تمامی مقرراتی اطلاق می‌شود که از طرف یکی از نهادهای ذیصلاح حکومتی برای استقرار نظم و امنیت وضع شده است و اجزایی چون قانون اساسی،

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکترای معماری با عنوان *آزادی در معماری، تکرسی بر آزادی معمار در مواجهه با نظم عمومی است* که با راهنمایی دکتر هادی ندیمی و دکتر محمود رازجویان، شهریور ۱۳۸۹ در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی ارائه و دفاع شده است. ۲. استادیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه حکیم سبزواری. bsiavashpor@yahoo.com

پرسش‌های تحقیق

۱. آیا نظم اجتماع واحدهای معماری، صرفاً وابسته به قوانین است؟
۲. چگونه می‌توان قوانین را انعطاف‌پذیر کرد تا سایر هنجارها نیز در برقراری نظم مداخله کنند؟
۳. آیا محتوای درونی قوانین قابلیت‌های یکسانی در برخورداری از ابتراع دارند؟

قانون عادی، عهدنامه، تصویب‌نامه، «این‌نامه‌های مصوب قوه مجریه» و بخش‌نامه‌های دولتی را شامل می‌شود.^۳ مراد این مقاله از قانون همین معنی است. قانون در منابع حقوقی مفهوم خاصی نیز دارد که زیرمجموعه‌ای از مفهوم عام آن است و اشاره‌ای است به قانون اساسی و قانون عادی در مقابل تصویب‌نامه و آیین‌نامه و بخشنامه. اصول ۵۸ و ۵۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قانون را چنین تعریف می‌کند: «قانون به قواعدی گفته می‌شود که با تشریفات مقرر در قانون اساسی، از طرف مجلس شورای اسلامی وضع شده است، یا از راه همه‌پرسی به طور مستقیم به تصویب می‌رسد».

در مقابل هنجارهای قانونی (قوانین و ضوابط و طرح‌های بالادست) دارد، به‌گونه‌ای که سایر هنجارها نیز جایی برای نمو بیابند.

در ادبیات نظم اجتماعی، هنجارهای مشترک تماماً در مقابل تغییرات اجتماعی مقاومت می‌کنند، خواه این هنجارها قانونی باشند خواه اجتماعی، اخلاقی یا رویه‌ای.^۴ یعنی در حالتی که فشار برآیند هنجارها بصورت افراطی افزایش یابد جامعه با جبر مواجه می‌شود. چنین جامعه‌ای مشابه برخی جوامع سنتی در مقابل هر تغییر چه ترقی‌خواه و چه آشوبی مقاومت می‌کند. ابتکارات و خلاقیت‌های فرد نیز که عوامل تحول‌زا اند، در این جامعه فاقد اعتبار تلقی می‌شوند. اما مراد این نوشتار با آنچه در خصوص جبر گفته شد قدری متمایز است. در اینجا فشار برآیند هنجارهای مشترک در مقابله با تغییرات، عامل محدودکننده فرض نشده، بلکه قانون که نسبت به هر فرد خصالتی کاملاً بیرونی دارد، از سایر هنجارها تفکیک شده و مصداق جبر فرض شده است. چنین فرضی توجه به شرایطی دارد که قوانین در شکل افراطی خود، راه را برای تکاپوی سایر هنجارها مسدود می‌کنند. سایر هنجارها نیز مسامحتاً درونی فرض شده‌اند و بر جبر ناشی از آنها توجهی نمی‌شود. بنابراین جایگاه و ضرورت خلاقیت‌های فردی نیز دغدغه نگارنده نیست، بلکه دغدغه اصلی، تأثیر سوء تمامیت‌خواهی رو به افزایش هنجار قانون در جوامع امروزی در قیاس با سایر هنجارها است، و سؤال این است که: چگونه می‌توان سایر هنجارها را در توازن با هنجار قانونی قرار داد؟

«تا سال ۱۳۴۵ که قانون اصلاح پاره‌ای از مواد و اصلاح چند ماده به قانون شهرداری از تصویب گذشت و همزمان با آن نیز سیاست تفکیک و تعیین نوع

۳. شیرین عبادی، حقوق معماری،

ص ۲۹.

۴. مسعود چلبی در کتاب نظم/اجتماعی مجموعه هنجارهای مشترک را شامل هنجارهای اجتماعی، هنجارهای اخلاقی، هنجارهای قانونی، و هنجارهای رویه‌ای برمی‌شمارد.

استفاده از زمین به‌طور درست در اختیار شخص مالک بود. مالک (یا معمار) اختیار مطلق داشت که زمین خود را هر وقت بخواهد، به هر شکل و به هر اندازه که مایل است تفکیک و قطعه‌بندی کند، طول و عرض معابر را در زمین‌هایی که تفکیک می‌کند شخصاً و به میل و سلیقه خود تعیین کند و به هر شکل هر چند طبقه و با هر مصالح ساختمانی که مایل است بسازد و برای هر منظور که مایل است مورد استفاده قرار دهد.^۵ امروزه حیطهٔ تصمیمات، و تأثیرگذاری مالک و معمار بر پروژه، به‌خصوص در پروژه‌های شهری خفیف و نامؤثر است. مثلاً در شهری چون تهران، مجموعه تصمیماتی که در حیطهٔ اختیارات معمار و کارفرما در یک مجموعه مسکونی قرار می‌گیرد، محدود به برخی تصمیمات داخلی است که با تساهل می‌توان موقعیت تیغه‌های داخلی، مصالح، رنگ، و تناسبات غیر حجمی نما را مشمول آن دانست. اما تصمیماتی که در قالب قانون، ضابطه یا طرح مصوب بالادست قبلاً تعیین و ابلاغ شده‌اند، نقشی بسیار مؤثرتر در آیندهٔ بنا بر عهده دارند؛ محل دقیق استقرار بنا روی زمین، شکل حجمی بنا، تعداد طبقات، ارتفاع طبقه، تناسبات، و وسعت فضای نورگیر از جملهٔ این تصمیمات اند. از طرفی بدون تردید حذف هر یک از قوانین و ضوابط بالادست با هدف تأمین آزادی، بدون پیش‌بینی عامل انسجام‌بخش مناسب، موجب بی‌نظمی و ایجاد فرصت برای منفعت و جهالت برخی می‌گردد. «از گذشته تا به حال یکی از سوالات محوری که در فلسفه و جامعه‌شناسی مطرح بوده این است که آیا استقلال فردی و نظم اجتماعی هم‌زمان جمع‌پذیر هستند؟». این مقاله ضمن توجه به این دل‌مشغولی، کنکاشی است برای منطقی کردن قوانین از طریق انتظام دادن به سطوح انتزاع آنها.

۲. سابقه پژوهش

جان ترنر در کتاب *ساختمان‌سازی به وسیله مردم* متأثر از تجربیات مساکن غیررسمی در کشورهای در حال توسعه به‌خصوص کشور پرو، به قابلیت بالای این مساکن در ایجاد

فرهنگ همیاری عمومی و بسیاری ویژگی‌های مثبت دیگر در آنها اشاره می‌کند.^۶ توجه ترنر به مفهوم آزادی، با تأکید بر استقلال رأی سطوح پایین‌تر در مقیاس محلی است. ترنر به تفاوت اساسی میان دو مفهوم قانون و برنامه اشاره می‌کند. تئوری، قانون و ضابطه، سطحی منطقه‌ای دارند در صورتی که برنامه و عمل در مقیاس کوچکی قابلیت کاربرد پیدا می‌کنند. قانون به دلیل جامعیتش تنها در سطح عمومی و منطقه‌ای به بایدها و نیایدها می‌پردازد و چنانچه به جزئیاتی پردازد که مربوط به مرتبه عمل و برنامه‌ریزی اجرایی است، اختیار را از برنامه‌ریزان محلی و ساکنان خواهد گرفت. نقطهٔ مقابل این وضعیت شرایطی است که قانون در مرتبهٔ انتزاع نیز وجود ندارد و برای رفع مشکلات محلی نیازمند تئوری هستیم. نتیجهٔ قطعی درگیری تئوری با داده‌ها و مشکلات محلی نوعی تفرق و تطوّر ناپسند خواهد بود. از اختلاط قوانین با برنامه‌های محلی جبر پدید خواهد آمد و چنانچه تئوری با مشکلات محلی درگیر شود، هرچ و مرج به بار می‌آید. بنابراین، تئوری که منتج از ارزشیابی نتایج و تحلیل داده‌ها است، فقط در سطح عمومی و منطقه‌ای ضرورت دارد. به‌طور کلی ترنر قانون، تئوری و ارزشیابی را به حیطهٔ کلان مربوط می‌بیند و در مقابل مدیریت اجرایی، جمع‌آوری اطلاعات و مشاهدهٔ نتایج را به حیطهٔ کوچک و محلی مربوط می‌سازد. حد فاصل این دو حیطه نیز طراحی و تحلیل داده‌ها است.^۷

از طرف دیگر توجه به برداشتی عمیق‌تر از انتظام مکانیکی نسبت به مفهوم نظم در دورهٔ نوین یعنی در چهار دههٔ اخیر - که این مفهوم را به معنای تاریخی آن نزدیک‌تر کرد - منشأ توجه به مفهوم آزادی به‌گونه‌ای صریح با ضمنی در افکار نظریه‌پردازان معماری شد. کریستوفر الکساندر در تجربیات عملی خود مثل تجربهٔ مکزیک، دانشگاه اورگان و نوعی از طراحی شهری که در کتاب *تئوری جدید طراحی شهری* ارائه داده است، در سه سطح (طراحی شهری، مجتمع‌های مسکونی، و مجموعه‌های معماری مثل دانشگاه) پیشنهادهای اجرایی خود را برای ایجاد نظم عمیق

۵. فضل‌الله هاشمی، حقوق شهری و

قوانین شهرسازی، ص ۱۶.

۶. مسعود چلی، جامعه‌شناسی نظم

تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی،

ص ۲۸۳.

7. John F. C. Turner, *Housing by People*, pp. 5-6.

۸. همان، ص ۱۶۰-۱۶۲.

به آزمون می‌گذارد. از آنجا که الکساندر «زندگی»، «مراکز» و «کلیت» را سه وجه معنایی نظم عمیق می‌شمارد، با توجه به وابستگی منطقی میان مفاهیم زندگی و آزادی، مفهوم اخیر را باید از دید او دخیل در بسط نظم عمیق دانست. رم کول‌هاس و چارلز جنکر نیز نظم مکانیکی قرن نوزدهم به بعد را نقد می‌کنند، و به‌خصوص کول‌هاس آزادی معمار از قیودات و نظم را برای بروز رفت از تله قرن نوزدهم ضروری می‌داند.

۳. مفهوم قوانین معماری

مقررات شهرسازی و معماری بر اساس آیین‌نامه نحوه بررسی و تصویب طرح‌های توسعه، عبارت است از مجموعه ضوابط و مقررات عمومی شهرسازی و معماری که در سطح کشور یا مناطقی از کشور لازم‌الرعایه بوده و به منظور فراهم کردن موازین طراحی، اجرایی و قانونی توسعه موزون و هماهنگ کالبدی، از مقیاس کلان تا تک‌بنا تهیه و به تصویب می‌رسد.^{۱۰} در این مقاله مراد از «قوانین معماری» کلیه مقرراتی است که - با توجه به اهداف ذکر شده در آیین‌نامه فوق - رعایت آنها در فرآیند معماری از سوی معماران ضروری است. این قوانین شامل قوانین مصوب قوه مقننه، تصویب‌نامه‌ها، آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های قوه مجریه و همچنین طرح‌های شهرسازی است، که پس از تصویب برای معماران حکم طرح بالادست را دارد و لازم‌الاجرا است. این در حالی است که طرح‌های شهرسازی یا هر طرح مصوب بالادست، خود نیز نتیجه طراحی معماران دیگری است، اما در اینجا در حکم قانون بالادست بدان نگریده می‌شود.

۴. جایگاه حقوق معماری در نظام حقوقی کشور

مجموع قواعدی که در زمان معین بر جامعه‌ای حکومت می‌کند، حقوق نامیده می‌شود.^{۱۱} در علم حقوق دو تقسیم اساسی وجود دارد، که بیشتر نویسندگان مبانی آن را پذیرفته اند:

۱. حقوق عمومی و حقوق خصوصی؛
 ۲. حقوق ملی یا داخلی، و حقوق بین‌المللی یا خارجی.^{۱۲}
 حقوق معماری در محدوده حقوق داخلی است که خود به حقوق عمومی و حقوق خصوصی تقسیم می‌شود. حقوق عمومی قواعدی است که بر روابط دولت و مأموران او با مردم حکومت می‌کند و سازمان‌های دولتی را منظم می‌سازد و حقوق خصوصی مجموع قواعد حاکم بر روابط افراد است.^{۱۳} مقصود از وضع قواعد حقوق عمومی، حمایت از منافع جامعه است ولی هدف حقوق خصوصی، تأمین نفع اشخاص است.^{۱۴} مقررات ناظر بر معماری و شهرسازی، باید منافع عمومی جامعه را در قبال اراده و خواست تک‌تک افراد و به‌خصوص فعالان این حوزه، تضمین کند.^{۱۵} بنابراین در زمره حقوق عمومی قرار می‌گیرد.^{۱۶} حقوق عمومی ذاتاً مربوط به طبقه فرمانروا در برابر طبقه فرمانبر است. «در حقوق عمومی نوع رابطه مطرح شده در ذات قواعد یک‌سویه است و عامل اجبار و عمل اقتدارگرایانه در آن نقش مهمی دارد. در حقیقت انسان در درون مجموعه‌ای از قواعد امرانه محاصره شده است. باید در برابر سازمان‌ها، تشکیلات، نهادها، و ادارها سر تسلیم و رضا فرود آورد».^{۱۷} ویژگی‌های فوق را می‌توان در خصوص قوانین معماری و شهرسازی به عنوان جزئی از حقوق عمومی تعمیم داد.

۵. نسبت قانون با نظم طبیعی

هنجارها، آرمان‌ها، تعاملات و مواضع اجتماعی، مجموعه‌هایی هستند که اجزای نظم اجتماعی اند.^{۱۸} مجموعه هنجارهای مشترک خود شامل هنجارهای قانونی، هنجارهای رویه‌ای^{۱۹}، هنجارهای اخلاقی و هنجارهای اجتماعی هستند.^{۲۰} هنجارهای پسندهای عمومی و نظام باید و نباید یک اجتماع را شکل می‌دهند و همگی با نوعی محدودکنندگی همراه هستند. در عین حال با توجه به تزیج هر یک از این هنجارها در مقابل دیگری، اساس نظام‌های اجتماعی در محتوا متفاوت می‌شود.

۹. چرا که آزادی از لوازم حیات است (مرتضی مطهری، آزادی منوی، ص ۱۵).
 ۱۰. آیین‌نامه نحوه بررسی و تصویب طرح‌های توسعه، مصوب ۱۳۷۸/۱۰/۱۲.
 ۱۱. ناصر کاتوزیان، کلیات حقوق، ص ۳. حقوق معانی دیگری مثل «جمع حق» نیز دارد که موضوع این مقاله نیست.
 ۱۲. همان، ص ۲۵۵.
 ۱۳. همان، ص ۲۵۶.
 ۱۴. همان، ص ۲۵۹.
 ۱۵. بنا بر تعریف این مقررات در «آیین‌نامه نحوه بررسی و تصویب طرح‌های توسعه ۱۳۷۸/۱۰/۱۲».
 ۱۶. صرف نظر از رابطه معمار با مشتری یا سایر مثال‌های محتمل از روابط خصوصی افراد در حیطه موضوع معماری که تماماً خارج از حیطه این بحث هستند.
 ۱۷. سیدعلی حسینی، مبانی فنی و اجرایی حقوق شهری و منطقه‌ای در ایران، ص ۳۳-۳۴.
 ۱۸. مسعود چلبی، پیشین، ص ۳۶.
 ۱۹. هنجار رویه‌ای به رویه‌ها، دانش، و تکنولوژی اجرا می‌پردازد.
 ۲۰. سیدعلی حسینی، پیشین، ص ۳۵.

محدودیتی که هنجارهای اخلاقی و اجتماعی ترسیم کنند، مرزی منعطف از پذیرفتنی‌ها و نپذیرفتنی‌ها هستند. به عبارت دیگر این هنجارها گرچه خود احکامی برای فرد صادر می‌کنند اما فرد، این احکام را در هاضمه‌ی ادراک فردی ترجمه‌ی مکانی و زمانی می‌کند. از آنجا که این هنجارها برای اکثریت افراد یک جامعه درونی هستند، آن را رهیافتی دو جانبه - و بیشتر پابین به بالا - می‌توان فرض کرد. از آنجا که هنجارهای اخلاقی و اجتماعی ماهیتی طبیعی - و نه تأسیسی - دارند، جامعه را به سمت نظم طبیعی و عمیق رهنمون می‌شوند. در حالی که هنجارهای قانونی فاقد چنین توانمندی‌ای هستند. معمولاً بین آنچه قانون می‌پذیرد و نمی‌پذیرد مرز کاملاً دقیق و قراردادی‌ای وجود دارد که از این حیث راه هر گونه مداخله فردی را بر افراد مسدود می‌کند. بدین لحاظ نظام اجتماعی متأثر از قانون صرف، فاقد انعطاف و تنوع است و بر نظمی مکانیکی تکیه دارد. برای روشن شدن آنچه در خصوص تفاوت در عوامل دوام‌دهنده گفته شد، بافت‌های تاریخی و جدید از این منظر مقایسه می‌شوند. چهار عامل هنجاری فوق را می‌توان در هر دو مصداق ردیابی کرد، اما ترتیب عوامل به لحاظ اهمیت در دو مصداق متفاوت اند.

۱. هنجارهای قوام‌دهنده به بافت‌های تاریخی

۱.۱. هنجارهای اجتماعی بیشترین تأثیر را در ایجاد محدودیت و قوام‌بخشی به نظم اجتماع برعهده داشته‌اند. این هنجارها شامل اصولی هستند که از جانب عادات، پسندها، و تأییدات عموم حمایت می‌شوند و فرد نوعی التزام و عادت بدان‌ها احساس می‌کند. امروزه نیز ما احکام بسیاری را می‌پذیریم و به دیگران حکم می‌کنیم؛ فقط به سبب آنکه جامعه آن را پذیرفته است. عدم استفاده از معابر عمومی به عنوان جبهه‌ی نورگیر معماری که مانند یک عادت اجتماعی در گذشته عمومیت یافته بود در این دسته قرار می‌گیرد.

۱.۲.۱. پس از آن هنجارهای رویه‌ای - به عنوان باید و نیایدهای حرفه‌ای و فنی - تأثیر بسیار تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی معماری و اجتماع بناها در جوار هم دارند. محدودیت‌های ناشی از توان فنی زمانه، مصالح در دسترس، و قابلیت‌های بومی، رویه‌های اجرایی را محدود می‌کرده است. مثلاً عمومیت یافتن استفاده از گنبد برای پوشش سقف یک رویه فنی محسوب می‌شود.

۳.۱. نقش هنجارهای اخلاقی در مقام سوم اهمیت در شکل‌دهی معماری در بافت‌ها است. احکامی چون عدم ایجاد اشراف و سایه بر زمین مجاور، در این مجموعه هنجارها قرار می‌گیرند.

۴.۱.۵. در نهایت هنجارهای قانونی در قالب احکامی از سوی حاکم یا والی برای برقراری نظم در زمانی ضرورت می‌یافت که خود جامعه در غالب هنجارهای فوق برای آنها راه حلی نداشت.

۲. هنجارهای قوام‌دهنده به بافت‌های جدید

۱.۲.۵. هنجارهای قانونی بیشترین تأثیر را در ایجاد محدودیت و شکل‌دهی به نظم اجتماع واحدها دارند. قوانین معماری شهرسازی، طرح‌های بالادست (طرح جامع و تفصیلی) و مقررات و آیین‌نامه‌ها در این دسته قرار می‌گیرند.

۲.۲.۵. هنجارهای اجتماعی در درجه دوم اهمیت قرار دارند.

۳.۲.۵. هنجارهای رویه‌ای در مقایسه با نقشی که در گذشته داشته است، امروزه به سبب پیشرفت دانش فنی تأثیر کمتری در ایجاد محدودیت دارند.

۴.۲.۵. هنجارهای اخلاقی نیز دچار کاهش اهمیت شده‌اند. در جوامع شهری اگر بازدارندگی قوانین به هر علت کاهش یابد، اصول اخلاقی تأثیر زیادی بر روند ساخت‌وساز ندارند.

از آنچه گفته شد این بر می‌آید که قوانین در مسیر شکل‌دهی به نظم مکانیکی و تأسیسی هستند، اما این قابلیت وجود دارد که قوانین در هماهنگی منطقی با سایر هنجارها شرایطی منعطف

برای رشد محیط پدید آوردند. توجهات زیر در این ارتباط این گونه قابل طرح هستند:

۱. هنجارهای اخلاقی و اجتماعی در ذات خود نقش

محدود کنندگی زیادی دارند، اما همواره فرد در موقعیت

مکانی و زمانی می‌تواند به ترجمه هنجار مربوط بپردازد.

شاهد بارز آن را می‌توان در بافت‌های تاریخی ملاحظه کرد.

در این بافت‌ها اگرچه عامل انسجام نیرومندتر از بافت‌های

جدید شهری است، لیکن تقریباً هیچ دو عنصری که کاملاً

بر هم منطبق شوند، وجود ندارند. یعنی این هنجارها از

درجات انتزاع متفاوتی برخوردارند. تصمیمات شخص در

موقعیت واقعی به درجاتی آزاد است که این امر موجب

منحصربه‌فرد شدن هر جزء معماری می‌شود.

۲. هنجارهای اخلاقی و اجتماعی در مسیر شکل‌گیری به

نظم طبیعی‌اند. هنجارهای قانونی از نوع تأسیسی است

و نظم تأسیسی پدید می‌آورند.

۳. اگرچه عملکرد هنجارهای قانونی با هنجارهای اجتماعی

و اخلاقی قابل انطباق نیستند، لیکن در نبود هنجارهای

اجتماعی و اخلاقی لاجرم هنجارهای قانونی شکل می‌گیرند.

۴. افراط در تکیه بر هنجارهای قانونی موجب فراموشی

سایر هنجارهای موزی می‌شوند، مگر آنکه هنجارهای

قانونی از هنجارهای اجتماعی و اخلاقی حمایت کنند.

۵. در به کارگیری از قانون می‌توان با تنظیم قوانین از منظر

سطح انتزاع، عملکرد قانون را از حیث درجات انتزاع به

سایر هنجارها نزدیک کرد.

۶. سطوح انتزاع قوانین معماری (از مفاهیم نظری تا عملی در قوانین معماری)^{۳۳}

هر یک از قوانین معماری با خود مفهومی حمل می‌کند که

به واسطه آن توانایی‌هایی از اراده معمار سلسب یا به آن داده

شده است. این مفاهیم گاه فقط در محدوده مفاهیم نظری باقی

می‌مانند، و گاه اشاره مستقیمی به راه حل‌های عملی برای نیل

به مفهوم دیگری دارند. برای روشن شدن موضوع می‌توان

به مثالی از قوانین معماری اشاره کرد. ماده ۳۳ قانون نظام

مهندسی و کنترل ساختمان بر ضرورت مفاهیم ایمنی، بهداشت،

بهره‌دهی مناسب، آسایش، و صرفه اقتصادی تأکید می‌ورزد.

این مفاهیم کاملاً در مرتبه نظری ارائه گردیده‌اند و به مخاطب

خود اجازه می‌دهند تا تعاریف عملی متناسب با هر مفهوم را

خود بیابد. اما آیین‌نامه طراحی ساختمان در برابر زمین‌لرزه یا

مقررات ملی ساختمان که مستند به همان قانون تدوین شده

اند، تعاریفی کاملاً عملی ارائه کرده و حاوی اطلاعات کمی،

مثل ابعاد ساختمان، فواصل میان دو بنا، و چگونگی‌های فرآیند

ساختمان است. بدیهی است مخاطب آیین‌نامه زلزله، برای تأمین

ایمنی بنا، فقط یک تعریف عملی در اختیار دارد. به هر میزان

مشخصات کمی بیشتر و دقیق‌تر باشد، تنوع در نمونه‌های قابل

انطباق با قانون کمتر شده و دایره انتخاب محدودتر می‌شود.

چنین قوانینی حاوی اطلاعات عملی است و از سطح انتزاع

پایین‌تری برخوردار است.

مفاهیم استقرار یافته در یک قانون ممکن است نظری باشند.

مفاهیم نظری قابلیت تعبیر دارند و قواعد عملی متعددی از یک

مفهوم نظری منتج می‌شوند. یک قانون با مفاهیم نظری ما به ازای

بی‌شماری در مرتبه تعاریف عملی و بیش از آن در موقعیت‌های

واقعی دارد، که تماماً با اصل قانون قابل انطباق هستند.^{۳۴}

برای اینکه بتوان قوانین را بر اساس درجه انتزاع‌شان

دسته‌بندی کرد می‌باید محکی به کار گرفت که به واسطه آن

درجه انتزاع قوانین در قیاس با هم قابل درک شوند. مفاهیم

درون یک قانون می‌تواند مثل «مقاومت بنا در برابر زلزله»

قابل شمارش یا مثل «ایمنی» غیر قابل شمارش باشد. مفاهیم

درونی قوانین، چنانچه بخواهند به احکام عملی مبدل شوند،

حاوی احکام کمی خواهند شد. بنابراین وجود و میزان احکام

کمی درون یک قانون، محکی است که میزان عملی بودن آن

21. Level of abstraction

22. P. D., Reynolds,

A Primer in Theory

Construction.

۳۳. این تعدد انتخاب می‌تواند نوعی

گریز از قانون را پدید آورد. به همین

علت قوانین کاملاً نظری به واسطه

آیین‌نامه‌های عملی قابلیت اجرا

می‌یابد. در غیر این صورت ارزیابی

میزان انطباق عمل انجام شده و

قانون امری مبهم است و گروه‌های

تخصصی می‌توانند آن را تعبیر

کنند. مثلاً اعتدالی هنر معماری که

به گونه‌های کاملاً نظری به عنوان

شرح وظایف شورای عالی معماری

و شهرسازی مطرح شده است اصولاً

به حیطه عمل وارد نمی‌شود، بلکه

به مخاطبان این آزادی داده شده تا

پس از ترجمه قانون، تعاریف عملی

مناسب ارائه دهند.

زلزله، مشخصات پهنه‌بندی اقلیمی ایران، ضوابط و مقررات شهرسازی و معماری برای افراد معلول جسمی - حرکتی^{۲۶} و... از جمله قوانینی هستند که نشان می‌دهد تحقیقات علمی بدنه اصلی قانون را تشکیل می‌دهد.

۲.۷. قوانین متکی بر ارزش‌ها، اعتقادات و باورها
دسته دوم قوانینی هستند که بر پایه ارزش‌ها، اعتقادات و باورها^{۲۷} تدوین شده‌اند. این قوانین بدون ورود به عرصه‌های اثباتی به صدور احکام و محدودیت‌های معمارانه منجر می‌شوند. مثلاً ضرورت توجه به مسجد در جهت‌گیری‌های طراحی شهرهای جدید، که در مصوبات شورای عالی شهرسازی آمده است، اصولاً اتکا بر اعتقادات افراد دارد.

۳.۷. قوانین متکی بر برنامه‌ریزی شهری
دسته سوم قوانین برنامه‌ریزی شهری است. از آنجا که این برنامه‌ها لازم‌الاجرا هستند، شکل قانونی به خود می‌گیرند. بند یک از ماده سه قانون تغییر نام وزارت آبادانی و... برنامه‌ریزی شهری را از وظایف وزارت مسکن و شهرسازی دانسته و مشتمل بر موارد ذیل می‌داند:
الف. تعیین محل شهرها و مراکز جمعیت آینده با توجه به عوامل محدودکننده...؛
ب. تعیین حدود توسعه و ظرفیت شهرهای فعلی و آینده و طرح و تنظیم نقشه توزیع جمعیت؛
ج. تهیه و تنظیم سیاست‌ها و خط مشی‌های اجرایی و ضوابط لازم برای هدایت و کنترل شهرنشینی در جهت تحقق طرح جامع سرزمین؛
د. مشخص کردن شهرها و شهرک‌ها از نظر فعالیت‌های صنعتی، کشاورزی...؛
هـ. بررسی ارتباط شهرهای فعلی و آینده در سطح منطقه و کشور؛

قانون را معلوم خواهد ساخت. به هر میزان که یک قانون کمیات کالبدی معماری را معلوم‌تر کرده باشد، به همان میزان، امکان انتخاب برای مخاطبان قانون محدودتر می‌شود. و به هر میزان که یک قانون از کمیات فاصله گیرد، دامنه انتخاب بازتری را در اختیار مخاطب خود قرار داده است. در چنین شرایطی مخاطب باید صلاحیت آن را داشته باشد تا خود قواعد عملی متناسب را برای موضع مورد نظرش طرح کند.
پیوست شماره ۱ (ت ۴) برخی قوانین معماری را بر اساس مفاهیم عملی یا نظری درونی دسته‌بندی کرده است. بدیهی است در دسته‌بندی دقیق‌تر می‌توان قوانین را بر محوری فاصله‌ای قرار داد.^{۲۴}

۷. چهار منسای مختلف قوانین معماری
اگرچه قوانین و مقررات معماری، با هدف فراهم کردن موازین طراحی، اجرایی و قانونی توسعه موزون و هماهنگ کالبدی،^{۲۵} تماماً توسط متخصصان پیشنهاد می‌شوند و در مراجع ذیصلاح به تصویب می‌رسند، اما این قوانین منسای یکسانی ندارند. به بیان دیگر قبل از پیشنهاد هر قانون، پیشنهاد دهندگان باید از ضرورت وجود آن قانون، اطمینان حاصل کنند. علم به ضرورت انجام یا ممنوعیت عملی در معماری قبل از وضع قانون، یک ضرورت است. از آنجا که فرآیند حصول یقین، در تمام قوانین ثابت نیست، این قابلیت وجود دارد تا بتوان بر اساس فرآیند مورد نظر، قوانین را دسته‌بندی کرد.

۱.۷. قوانین متکی بر تئوری‌های اثباتی
دسته اول قوانینی هستند که متکی بر تئوری‌های اثباتی تهیه شده‌اند. این تئوری‌ها می‌توانند متگی بر تعمیم تجارب علمی یا نتیجه استنتاجات منطقی از بدیهیات باشند. نقض پذیر بودن این دسته از قوانین در هر درجه از انتزاع، وابسته به نقض پذیر بودن نظریه علمی پشتیبان است. آیین‌نامه طراحی ساختمان در برابر

۲۴. بخشی از قوانین معماری به سازوکارهای اداری و تشکیلاتی می‌پردازد که اساساً در این دسته‌بندی جایگاهی ندارند.
۲۵. ماده ۲ از آیین‌نامه نحوه بررسی و تصویب طرح‌های توسعه مصوب ۱۳۷۸/۱۰/۱۲.
۲۶. باید توجه داشت که قائل بودن حقوق اجتماعی برای معلول به منظور حضور فعال در عرصه‌های اجتماعی تا حدود زیادی مربوط به نظریات هنجاری افراد است، اما احکام این قانون از نوع اثباتی‌اند.
۲۷. منظور قوانینی است که تئوری‌های هنجاری (Normative theory) مبنای شکل‌گیری آنها است.

و. تعیین استانداردها برای مسکن، ساختمان‌های دولتی، و تأسیسات شهری؛

ز. بررسی مستمر نیازمندی‌های مسکن، ساختمان‌های دولتی، خانه‌های سازمانی و تهیه برنامه‌های ضروری؛

برنامه‌ریزی شهری به منظور تحقق اهدافی تدوین می‌شود که خود بر مبنای تئوری‌های هنجاری یا اثباتی تبیین شده و خود برنامه نیز از این تئوری‌ها بهره می‌گیرد.

۴.۷. قوانین متکی بر طراحی

دسته چهارم قوانینی‌اند که نتایج تصمیماتی از نوع طراحی هستند. طرح‌های شهری مصوب همواره نقش قوانین بالادست را برای معماری ایفا می‌کنند. برنامه‌ریزی شهری و تئوری‌ها منابعی هستند که طرح‌های شهرسازی بدان تکیه دارند. طرح‌های جامع شهری شامل موارد ذیل‌اند:

الف. ضوابط منطقه‌بندی شامل تعیین محدوده مناطق اصلی مسکونی، صنعتی، تجاری و... و تعیین اجزای مناطق اصلی مثل تقسیم‌بندی مناطق مسکونی به لحاظ ارتفاع بنا یا وسعت فضای باز. و یا به عنوان مثال تقسیم‌بندی آنها به دسته‌جات مختلف بر اساس نوع مغازه و محل‌های کسب‌وکار در کاربری تجاری؛

ب. ضوابط مربوط به نحوه استفاده از زمین، تفکیک و احداث ساختمان در هر منطقه. به عنوان مثال حداکثر ارتفاع ساختمان، سطح اشغال و نحوه استقرار بنا در زمین، حداقل ابعاد حیاط و سایر فضاهای باز، مقررات مربوط به نماسازی و...؛

ج. برخی مقررات مشترک اعمال‌شده در مناطق مختلف مثل مقررات مربوط به ارتفاع دیوارها و حصارها، ضوابط و مقررات بازشوها به طرف معابر، پارکها و میدان‌ها و املاک مجاور، و... .

تداخل اصلی قوانین بالادست با آزادی معماران زمانی رخ می‌دهد که قوانین بدون ضرورت در حیطه عمل معماران ورود یابند. در چنین شرایطی قانون‌بخشی از اختیارات اختصاصی طراحان را سلب نموده است.

۸. سطح انتزاع قوانین به تفکیک چهار دسته فوق

قوانین معماری چه مستقیم و چه به واسطه برنامه (دسته سوم) یا طرح (دسته چهارم) به تئوری‌ها اتصال می‌یابند. اگر فرض بر اعتبار تئوری‌های پشتیبان قوانین باشد، پس احکامی که نتیجه پایبندی بدان تئوری‌ها هستند، ضرورتاً واجد اعتبار‌اند. اما گاه قوانین تنها مصادیقی از مفهوم درون قانون را به مخاطبان حکم می‌کنند. در این صورت قانون از تئوری عدول نکرده بلکه تئوری بسیار فراتر از قانون است. چنین حالتی مصادیق جبری است که قانون اعمال می‌کند.

اگر قوانین و تئوری‌ها به لحاظ سطح انتزاع همسنگ باشند، نقش مخاطب قانون در انتخاب مصادیق نقشی‌تاملی و آگاهانه خواهد بود. تشخیص مصادیق عملی برای یک مفهوم، نیاز به دانش و بصیرت پیرامون آن موضوع دارد. به تعبیر دیگر قانون‌گذار باید اطمینان حاصل کند که در ترجمان مفاهیم درون قانون، مخاطبان سهواً یا عمداً مصادیق نادرستی را بر نمی‌گزینند. در اینجا این سؤال قابل طرح است که: «جامعه حرفه‌ای معماری تا چه میزان آمادگی پذیرش این مسئولیت را دارد؟ و اگر این آمادگی وجود ندارد آیا حذف اختیار عمل ایشان راه حل نهایی است؟ و آیا می‌باید تا کسب این آمادگی حد میان‌های انتخاب شود، تا این جامعه حرفه‌ای به تدریج در آن حد رشد کند و آمادگی برای کسب آزادی عمل بیشتر را به دست آورد؟» پاسخ به چنین سؤالاتی که به‌طور عمده به آموزش معماری باز می‌گردد در جای خود قابل بررسی است. در اینجا قابلیت هر یک از دسته‌های قوانین، در برخورداری از انتزاع مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

۱.۸. قوانین متکی بر تئوری‌های اثباتی

دسته اول قوانین متکی بر تئوری‌های اثباتی است. وجود قوانین متکی بر پژوهش‌های علمی در هر مرتبه از انتزاع ضروری هستند، به شرط آنکه قانون فضای انتخاب را نسبت به تئوری کاهش نداده باشد. به عنوان مثال در میحث ۱۹ مقررات ملی ساختمان تهی چکالیست انرژی و مقایسه میزان انتقال حرارت پروژه با انتقال حرارت مرجع ضروری است. ضریب انتقال حرارت مرجع عدد ثابتی است که با دانستن برخی مشخصات کالبدی، تکنیکی و جغرافیایی در مورد بنا حاصل می‌شود. این حکم علی‌رغم اینکه به‌طور نسبی عملی است، چون از سوی احکام علمی پشتیبانی می‌شود، می‌باید در هر گستره‌ای بدون انعطاف اجرا شود. در مواجهه با این حکم، اگرچه معمار اختیاری در تعویض عدد مرجع ندارد، لکن در انتخاب نوع و ضخامت مصالح دامنه انتخاب گسترده‌ای خواهد داشت. حال شرایطی را فرض کنید که قانون گذار به‌جای ارائه عدد مرجع، استفاده از نوعی عایق با ضخامتی معلوم را ضروری بداند. با این فرض سایر انتخاب‌ها که با روح تئوری پشتیبان منافاتی ندارند از سوی قانون گذار حذف خواهند شد.

۲.۸. قوانین متکی بر ارزش‌ها، اعتقادات و باورها

دسته دوم قوانین متکی بر ارزش‌ها، اعتقادات، و باورهاست. این قوانین متأثر از هم‌پوشانی‌های فرهنگی قانونی با سایر هنجارها پدید می‌آیند. در یک جامعه طبیعی قبل از وضع قوانین، روحیه پشتیبان آنها در قالب هنجارهای اجتماعی، اخلاقی، و رویه‌ای وجود داشته‌اند. قوانین منبعث از هنجارهای اجتماعی و اخلاقی تنها در مرتبه انتزاع صرف می‌توانند با مفاهیم پشتیبان به لحاظ انتزاع در موازنه قرار گیرند. آنچه که در حیطه اخلاقیات و پسندهای اجتماعی قرار می‌گیرد، همواره سطحی انتزاعی دارد و فقط در مرتبه مصداق‌ها، قابلیت کمی شدن دارند. اما این موضوع در خصوص هنجارهای رویه‌ای قدری متفاوت است.

هنجارهای رویه‌ای - که مجموعه روش‌های پذیرفته شده در مورد احداث بنا است - خود متأثر از تجربیات فراوان پیشینیان، شکل گرفته و واجد احکام عملی بی‌شماری‌اند. در معماری قوانین زیادی از هنجارهای رویه‌ای استخراج شده‌اند. به عنوان مثال در شماره ۹۲ نشریه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی احکامی درباره اجرای دیوار آجری درج شده است. شماره ۵۵ این نشریه نیز احکام فراوانی از این دست در خود دارد. این احکام انتزاعی نیستند و حد و مرز آنها را تعاریف کاملاً عملی، روشن می‌کند. از طرفی احکام ذکر شده قابلیت انتزاعی شدن نیز ندارند، چرا که به پشتوانه تجربه صادر شده‌اند و تجدید نظر در آنها فقط به پشتوانه تحقیقات علمی اثبات‌شده میسر است.

۳.۸. قوانین متکی بر برنامه‌ریزی شهری

دسته سوم قوانین متکی بر برنامه‌ریزی شهری است. قوانین متکی بر برنامه‌ریزی‌های محلی، منطقه‌ای، شهری یا فراتر از آن، به‌گونه‌ای باید تدوین شوند که با کاهش «گستره عمل»، مفاهیم درون قانون به سمت مفاهیم عملی میل کنند. برنامه‌ها به پشتوانه تئوری‌ها یا قوانین تهیه می‌شوند. اگرچه ماهیت برنامه، عملیاتی کردن خواست‌های انتزاعی است و لذا در مرتبه‌ای عملی‌تر جزو قوانین عام قرار می‌گیرند، اما نباید از نظر دور نگاه داشت که گستره عمل بر میزان عمل‌گرا بودن یک برنامه مؤثر است. به عنوان مثال داشتن تراز مناسبی از نسبت جمعیت ساکن به وسعت یک محل برای پیش‌بینی خدمات و نیازهای مردم و ممانعت از تراکم بی‌رویه جمعیت ضروری است. اما می‌توان پرسید صدور حکمی که طی آن نسبت زمین و بنای احداث‌شده و دهها متغیر دیگر یک‌جا تعیین تکلیف شده‌اند، تا چه میزان ضروری است؟ آیا ممکن نیست ضمن رعایت نسبت کلی جمعیت به وسعت درباره تراکم اینبه در حیطه محلات یا زیرمحلات و واحدهایی کوچک‌تر تصمیم‌گیری شود؟

۴.۴. قوانین متکی بر طراحی

دسته چهارم قوانین متکی بر طراحی است. از آنجا که این قوانین ذات طراحی دارند، می‌توان آنها را گزینشی از میان انبوه راه حل‌ها دانست که توسط طراح شهری انتخاب شده‌اند، و با این انتخاب، راه انتخاب دیگر راه حل‌ها بر معماران «پایین‌دست»^{۲۸} مسدود شده است. طراحی با گذشتن از مرتبه تعاریف عملی، موقعیت‌های واقعی و منحصر به فرد را هدف قرار می‌دهد. این ویژگی موجب می‌شود که به‌طور کلی طرح در محدوده کوچک‌تر و سطح انتزاع پایین‌تر موضوعیت یابد. نکته بر جزئیات دقیق در محدوده‌های وسیع که مالکان مختلفی دارند و در زمان‌های متفاوتی عمران می‌شوند موجب کاهش آزادی فردی می‌شود.

۹. گستره عمل و مراجع تصویب قوانین

برای طبقه‌بندی قوانین معماری، در نظام حقوقی کشور، به‌طور کلی توجه به طبقه‌بندی قوانین ضروری است. «این طبقه‌بندی، بیان سلسله‌مراتبی است که از جهت اعتبار و قدرت بین مقررات حقوق نوشته‌شده وجود دارد. به این اعتبار قوانین

را به سه دسته مهم می‌توان تقسیم کرد: قانون اساسی، قانون عادی، و احکام و نظام‌نامه‌های قوه مجریه»^{۲۹} احکام قوه مجریه نیز خود مشتمل بر آیین‌نامه‌های اجرایی، مصوبات هیئت دولت و بخش‌نامه‌ها است. قانون اساسی قانونی است که تشکیلات و روابط قدرت‌های عمومی و اصول مهم حقوقی و عمومی یک کشور را تضمین می‌کند.^{۳۰} قانون عادی قاعده حقوقی عام و خاصی است که توسط قوه مقننه یعنی مجلس وضع می‌شود.^{۳۱} آیین‌نامه مجموعه‌ای از قواعد و مقررات است که مقامات صلاحیت‌دار در حدود صلاحیت خود وضع می‌کنند و به اجرا می‌گذارند.^{۳۲} تصویب‌نامه به معنی عام و خاص به مصوبات قوه مجریه گفته می‌شود.^{۳۳} البته تصویب‌نامه و آیین‌نامه از لحاظ وزن و اعتبار و مرجع تصویب تفاوتی با یکدیگر ندارند. بخش‌نامه در سلسله‌مراتب مراجع تصویب و مفاهیم قانونی از درجه الزام کمتری برخوردار است. بخش‌نامه را معمولاً وزیر یا مقام صلاحیت‌دار و مسئول، در حوزه مسئولیت خود صادر و ارسال می‌کند.^{۳۴} نمودار «ت ۱» که از کتاب میانی فنی و اجرایی حقوق شهری نقل شده، مراتب جزء‌گرایی و کل‌گرایی قوانین شهرسازی را نشان می‌دهد.

در دسته‌بندی قوانین معماری، قوانین مصوب قوه مقننه، بیشترین اعتبار را دارند. در مرتبه بعد آیین‌نامه‌های اجرایی و مصوبات قوه مجریه، مصوبات شورای عالی شهرسازی، طرح‌های جامع و تفصیلی، و برخی بخش‌نامه‌های مرتبط قرار دارند. در فرآیندی جزء‌گرایانه قوانین زیردست هماهنگ با روح قانون بالادست تنظیم می‌شوند. اما این جزء‌گرایی بیشتر ماهیت اداری دارد، لکن حتی قوانین جزئی در بدنه اصلی دولت مرکزی متمرکزاند. به بیان دیگر مثلاً در حوزه قوانین معماری می‌توان به سه رده اساسی و تعیین‌کننده اشاره کرد. رده نخست اختصاص به قوانین مصوب قوه مقننه دارد؛ مانند ماده سی‌وسه قانون نظام مهندسی یا ماده ۲۳ قانون برنامه و بودجه کشور. رده دوم اختصاص به مصوبات قوه مجریه و آیین‌نامه‌های اجرایی دارد؛ آیین‌نامه طراحی ساختمان در برابر زلزله و آیین‌نامه

۲۸. با توجه به اینکه در طرح‌های توسعه شهری که طرحی فرادست نسبت به یک بنا به شمار می‌رود نیز معماران دخالت دارند، در اینجا مراد از عبارت «پایین‌دست» تمایز معماران تک‌بناها از معماران دسته‌نخست است.

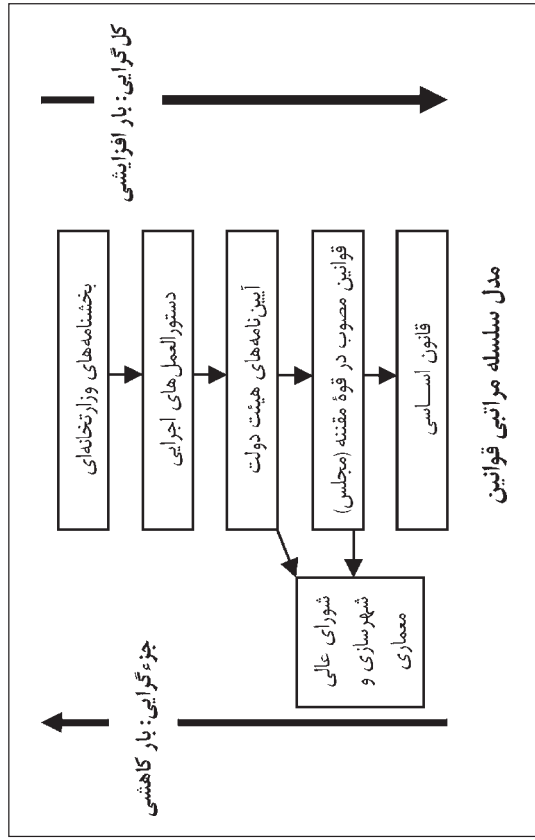
۲۹. ناصر کاویزبان، مقدمه علم حقوق و مطالعه در حقوق خصوصی ایران، ص ۱۰۶.

۳۰. محمدجعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ص ۵۲۰.

۳۱. سیدعلی حسینی، پیشین، ص ۲۸.

۳۲. امروزه در عرف گفتاری و نوشتاری منظور از آیین‌نامه همان ←

ت ۱. مراتب جزء‌گرایی و کل‌گرایی قوانین شهرسازی.^{۲۵}



بررسی‌های اولیه که در کارگروه‌های مختلفی انجام می‌شود،

نهایتاً در شورای عالی شهرسازی و معماری به تصویب نهایی خواهد رسید.^{۳۷}

طرح تفصیلی بر اساس معیارها و ضوابط کلی طرح جامع تدوین می‌شود و در آن نحوه استفاده از اراضی شهر در سطح محلات با موقعیت و مساحت دقیق زمین، میزان تراکم جمعیت و تراکم ساختمانی در واحدهای شهری، اولویت‌های عمرانی، و موقعیت عوامل شهری و نقشه‌های مالکیتی تهیه و تنظیم می‌شود.^{۳۸} بررسی و تصویب طرح‌های شهری و تغییرات آنها در هر استان به وسیله کمیسیون موضوع ماده ۵ قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری صورت می‌گیرد.

طرح‌های بالادست طرح جامع و هادی نیز به ترتیب شامل طرح جامع سرزمین، طرح کالبدی ملی و منطقه‌ای، طرح (جامع) توسعه و عمران ناحیه‌ای، طرح مجموعه شهری، و طرح سازمان‌دهی فضای سکونت‌گاه‌های روستایی است. مرجع تصویب تمامی این طرح‌ها شورای عالی شهرسازی و معماری ایران است. نکته قابل توجه اینکه، علی‌رغم پلکانی بودن گستره عمل هر یک از این طرح‌ها، مرجع تصویب آنها تقریباً ثابت است. مثلاً طرح جامع سرزمین که طرحی ملی است و در مقیاس ملی موضوعیت دارد، با طرح جامع شهر که در محدوده شهر اجرا می‌شود، تقریباً دارای یک مرجع تصویب است. برای شناخت بیشتر این شرایط علاوه بر ایران مراجع تصویب قوانین شهرسازی چند کشور دنیا در دهه ۱۹۷۰ میلادی اجماً بررسی می‌شوند:

۱.۱. انگلستان

در انگلستان دو نوع طرح تهیه می‌شود: طرح سازه^{۳۹} و طرح محلی^{۴۰}. در طرح سازه استفاده از اراضی به صورت کلی مطرح می‌شود و به جزئیات پرداخته نمی‌شود. اصولاً این طرح محتوای گزارشی دارد و در آن از نقشه استفاده نمی‌شود. مرجع تصویب طرح سازه وزیر مشاور است.

حفاظتی کارگاه‌های ساختمانی از آن جمله‌اند و نیز ضوابطی چون طرح‌های جامع و تفصیلی که به واسطه مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری جنبه قانونی یافته و این شورا و جاهت خود را از قانون تأسیس این شورا و قانون اصلاح پاره‌ای از مواد و الحاق چند ماده به قانون شهرداری دریافت می‌کند. بنابراین باید پذیرفت که نسبت به قوانین مصوب قوه مقننه یا مصوبات هیئت دولت از درجه اعتبار کمتری برخوردار است. در نازل‌ترین مراتب قوانین معماری، می‌توان به بخش‌نامه‌های سازمان‌ها و نهادهای دولتی و حکومتی چون شهرداری‌ها یا سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی اشاره کرد که سهم بسیار اندکی در نظام قوانین معماری دارند. یعنی گرچه قوانین دارای سلسله‌مراتب هستند اما نقش نهادهای محلی در تصویب قانون چندان ناچیز است که می‌توان از آن صرف نظر کرد.

چنانچه تصویب قوانین محلی و منطقه‌ای به مراجع محلی و منطقه‌ای واگذار شود، امکان تأثیرگذاری معماران بر قوانین معماری، بیشتر شده و آزادی معماران بسط می‌یابد.

۱.۱. مقایسه مراجع تصویب طرح‌های توسعه شهری برخی کشورهای با ایران

در ایران طرح جامع، طرح هادی، و طرح تفصیلی به عنوان طرح‌های توسعه شهری و مجتمع‌های زیستی، بیشترین حجم قوانین بالادست معماری را شکل می‌دهند. از طرفی آنها خود نیز زیرمجموعه طرح‌های بالاتری هستند.

طرح جامع، طرح بلندمدتی است که در آن نحوه استفاده از اراضی شهری و منطقه‌بندی در حوزه‌های مسکونی آموزشی، صنعتی، بهداشتی، اداری و کشاورزی تعیین می‌شود. به همراه این کاربری‌ها و منطقه‌بندی‌ها خطوط کلی ارتباطی، ترمینال‌ها و فرودگاه‌ها و محلات نوسازی و همسازی و اولویت‌های مربوط به آنها نیز با تصویب ضوابط و مقررات مربوط به حفظ بناها و مناظر شهری تهیه و تنظیم می‌شوند.^{۳۶} طرح جامع پس از

→ این نام‌های اجرائی است که قوه مقننه در زمان تصویب قوانین پیش‌بینی می‌کند توسط نهاد خاصی تهیه و به تصویب هیئت وزیران برسد.

۳۳. سید علی حسینی، پیشین، ص ۳۹.

۳۴. همان جا.

۳۵. همان، ص ۴۱.

۳۶. همان، ص ۵۳.

۳۷. همان، ص ۲۲۲.

۳۸. همان، ص ۵۳.

39. structure plan

40. local plan

طرح محلی ماهیتی تقضیلی تر دارد و بر طرح سازه متمرکز است. این طرح‌ها شامل گزارش و نقشه‌های مبتنی بر مطالعات انجام یافته و تصاویر و تعاریف و جزئیات لازم است. چنانچه هدف طرح‌های محلی از طریق برنامه‌های بخش خصوصی تحقق یابد، طرح به جزئیات نمی‌پردازد، بلکه خط مشی‌های کلی و راهنمایی‌های لازم را برای نیل به هدف‌های مورد نظر ارائه می‌کند. در این صورت تصمیم در خصوص جزئیات بر عهده سازنده و مهندسان اوست. تصویب طرح‌های محلی بر عهده شوراهای ناحیه‌ای است مگر در صورتی که وزیر تصویب طرح را منوط به تصویب خود کند.

۲.۱.۰ فرانسه

در فرانسه دو نوع طرح تهیه می‌شود: طرح‌های بلندمدت آبادانی و شهرسازی موسوم به طرح شما^{۴۱}، و طرح کاربرد زمینی یا استفاده از زمین یا اشغال زمین^{۴۲}.

طرح «شما» یک طرح بلندمدت است که در آن سیاست‌ها و خط مشی‌های ملی و منطقه‌ای در مورد آمایش و نیز ارتباط توسعه شهر با نواحی اطراف، مراعات می‌شود. در این طرح کاربرد زمین و خطوط کلی شبکه‌های زیربنایی مشخص می‌شود. طرح شما شامل گزارش و نقشه است.

طرح «کاربرد زمین» مبین هدف‌های کوتاه‌مدت و تعیین‌کننده شرایط و ضوابط بهره‌وری با استفاده از زمین است. این طرح شامل سه قسمت است:

یک: گزارش طرح شامل هدف‌ها و کیفیت و کمیت توسعه شهر و توجیه آن در ارتباط با طرح «شما»؛

دو: مدرک تصویری و دوبعدی نشان‌دهنده مناطق مختلف داخلی طرح و منطقه‌بندی؛

سه: مقررات و ضوابطی که از نقطه‌نظر پیاده کردن طرح و اجرای اصول آن لازم به نظر می‌رسد.

در فرآیند تهیه طرح‌های شهرسازی مشورت با مردم محل، تشکیل کنفرانس یا جلسات مشترک با سازمان‌های عمومی ذینفع، انتشار طرح، و مراجعه به آرای عمومی وجود دارد. اگر در تأیید طرح، اختلاف نظری بین سازمان‌ها و مردم و گروه‌هایی که با آنها مشورت می‌شود وجود نداشته باشد، فرماندار طرح را تأیید می‌کند. در صورتی که نظری مخالفی ابراز شود از طریق داوری یا شورای وزیران حل و فصل خواهد شد.

۳.۱.۰ آمریکا

کنگره آمریکا همیشه نظریه لزوم داشتن طرح را اعمال نوعی دخالت و کنترل در نظام سرمایه‌داری می‌داند. با وجود این دولت فدرال گهگاه برای محل‌های خاصی دست به تهیه و اجرای طرح‌های وسیع عمران منطقه‌ای زده است. در عین حال رویه یکسانی در ایالت‌های مختلف وجود ندارد. در برخی موارد طرح‌های جامعی تهیه می‌شود که از نظر قانونی جنبه اجرایی ندارد بلکه جنبه مشورتی و پیشنهادی دارد.

طبق قوانین تفویض اختیار دولت در ایالت نیویورک، هر شهر یا روستا می‌تواند کمیسیونی به نام کمیسیون برنامه‌ریزی شهر یا روستا به وجود آورد. چنین کمیسیونی در مراکز جمعیتی مستقل نظیر روستاها از طریق تصویب‌نامه هیئت امناء و در شهرها به وسیله شورای شهر به وجود می‌آیند. موارد زیر برای اخذ تصمیم به آنها ارجاع می‌شود: تصویب هر نقشه یا برنامه شهری یا روستایی یا قسمتی از آن شامل سیستم آب و فاضلاب و برنامه‌ها و طرح‌های مربوط به سواحل عمومی یا احداث خیابان و معابر و نیازهای عمومی که به نحوی در رابطه با راه‌های اصلی یا سواحل باشند و نیز هر نوع تغییر و اصلاح در طرح‌ها و نقشه‌ها و برنامه‌های احداث و ایجاد بناهای عمومی، محسسه یادبود، شاهراه، پارک، بزرگراه و...^{۴۳}

41. sdau

42. POS

۴۳. واحد شهرسازی و معماری دفتر مطالعات و معیارهای شهرسازی، قوانین شهرسازی در انگلستان، فرانسه و ایالات متحده آمریکا، جلد چهارم، تهران ۱۳۵۷.

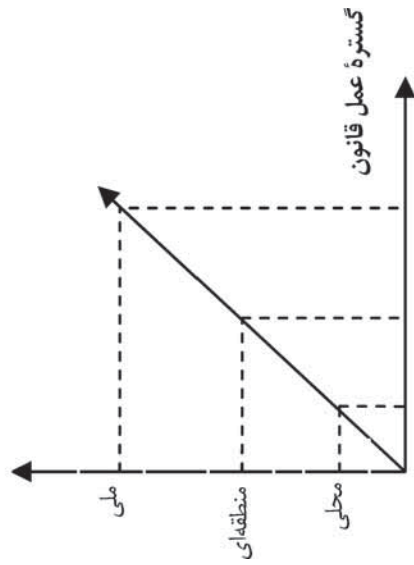
با این حال فاصله مکانی، زمانی و تشکیلاتی میان معماران و مراجع تصویب موجب می‌شود که معماران کم‌ترین تأثیر را در ارائه نظرات خود و اصلاح قوانین داشته باشند.

نتیجه گیری

هنجارهای قانونی در کنار سایر هنجارها نظم اجتماع واحدهای معماری را پدید می‌آورند. نظم تأسیسی متأثر از قانون است و ویژگی‌های مکانیکی دارد. در صورتی که نظم طبیعی تحت تأثیر دیگر هنجارها شکل می‌گیرد.

قوانین معماری چه مستقیم و چه به واسطه برنامه (دسته سوم) یا طرح (دسته چهارم) به تئوری‌ها اتصال می‌یابند. اگر فرض بر اعتبار تئوری‌های پشتیبان قوانین باشد، پس احکامی که نتیجه پایبندی بدان تئوری‌ها اند، ضرورتاً واجد اعتبار اند. اما گاه قوانین تنها مصداقی از مفاهیم درون قانون را انتخاب و به مخاطبان حکم می‌کنند. در این صورت قانون از تئوری عدول نکرده بلکه تئوری بسیار فراتر از قانون است. چنین حالتی مصداقی جبری است که قانون اعمال می‌کند. برای گریز از این حالت می‌باید میان سطح انتزاع قانون و مفهوم پشتیبان آن تعادل برقرار شود.

مراجع تصویب‌کننده قانون



۲. رابطه میان مراجع تصویب و گستره عمل قوانین بالادست معماری.

بنابراین تصویب قوانین محلی در انگلستان بر عهده شورای ناحیه‌ای یا وزیر، در فرانسه بر عهده فرماندار و در ایالت نیویورک آمریکا به عنوان مثال بر عهده کمیسیون برنامه‌ریزی روستا یا شهر است. در این نوشتار نقد بنیادین قوانین شهرسازی در کشورهای یادشده مد نظر نیست و فقط به چند نکته قابل توجه و مرتبط با موضوع بسط آزادی‌های معمار توجه بیشتری می‌توان کرد:

۱. طرح‌های سازه در انگلستان فاقد نقشه اند تا از سطح انتزاع بالاتری برخوردار شوند.
۲. چنانچه مخاطب طرح‌های محلی در انگلستان بخش خصوصی باشد، طرح از درجه انتزاع بالاتری برخوردار است تا مالک و معمار بتوانند با آزادی بیشتری عمل کنند.
۳. مرجع تصویب طرح‌های محلی در انگلستان نهادی ناحیه‌ای است.
۴. در فرانسه برای تصویب طرح، مراجعه به آرای مردم ضروری است.
۵. مرجع تصویب طرح‌های شهری در فرانسه فرماندار است. به بیان دیگر طرح در محدوده شهرستان تصویب می‌شود.
۶. کنگره آمریکا همیشه نظریه لزوم داشتن طرح را دخالت در نظام سرمایه‌داری و کنترل آن می‌داند.
۷. در ایالت نیویورک آمریکا هر طرح فقط در محدوده جغرافیایی خودش تصویب می‌شود.

در نظام شهرسازی و معماری ایران اگرچه قوانین از سلسله مراتب معلومی به لحاظ قدرت و اعتبار برخوردار اند، اما این نظامی است که سازوکارهای اداری و سازمانی و تقسیم کار ارگان‌ها و سازمان‌های حکومتی را معلوم می‌کند. صرف نظر از طرح تفصیلی - که مرجع تصویب آن استانی است - تقریباً مراجع تصویب تمام قوانین معماری در دولت متمرکز اند. به بیان دیگر ضوابط و مقررات منطقه‌بندی، جزئی از اعمال حاکمیت دولتی است.^{۲۴} اگرچه مقررات مذکور همانند عبارات صریح و غیر قابل انعطاف سایر قوانین نیستند و در هر زمان و هر مکان بر حسب شرایط و مقتضیات خاص قابلیت تغییر و اصلاح دارند،

۲۴. فضل‌الله هاشمی، پیشین، ص ۱۶.

- قوانین منکی بر پژوهش‌های علمی در زمینه معماری، در هر سطح از انتزاع می‌توانند تدوین شوند، به شرط آنکه قانون فضای انتخاب را نسبت به تئوری کاهش نداده باشد.

- قوانین منکی بر نظریات هنجاری باید در سطح بالایی از انتزاع تدوین شوند، به گونه‌ای که با کاهش «گستره عمل»، مفاهیم درون قانون، به سمت مفاهیم عملی میل کند. هنجارهای رویه‌ای ماهیتی عملی دارند، لذا قوانین منکی بدان هنجارها عملی خواهند بود.

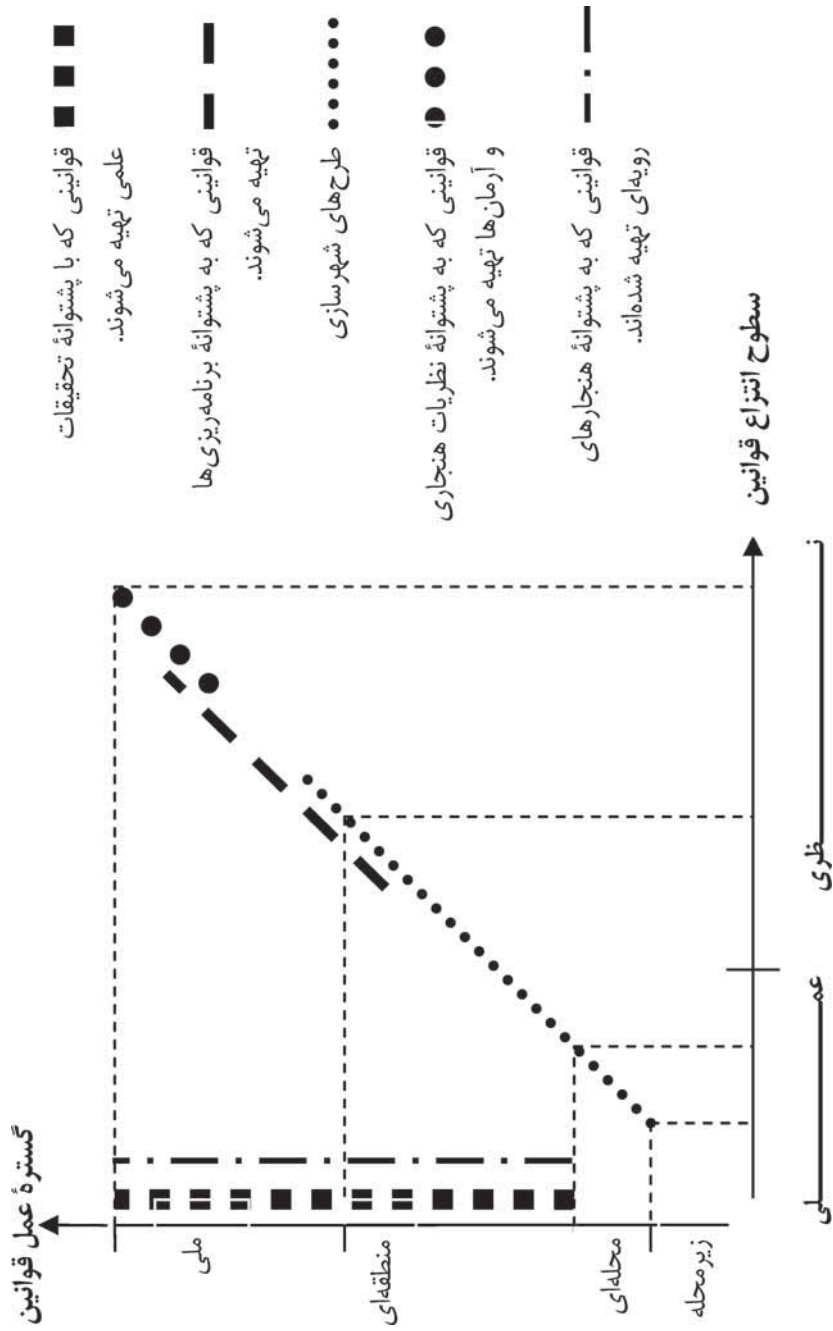
- قوانین منکی بر برنامه‌ریزی‌های محلی، منطقه‌ای،

شهری یا فراتر از آن، می‌توانند به گونه‌ای تدوین شوند که با کاهش «گستره عمل»، مفاهیم درون قانون به سمت مفاهیم عملی میل کنند.

- طراحی ماهیتی عملی دارد و احکام آن در مقیاس کوچک و با مفاهیم عملی تناسب دارد.

- چنانچه میان مراجع تصویب و گستره عمل قوانین تناسب وجود داشته باشد امکان مداخله مؤثر معماران در قوانین محلی و منطقه‌ای پدید می‌آید.

ت ۳، رابطه میان سطوح انتزاع و گستره عمل قوانین بالادست معماری.



قوانینی با ماهیت عملی	قوانینی با ماهیت نظری
<p>- دستورالعمل ماده ۱۴ قانون زمین شهری - تبصره ۱ ماده ۳ قانون نوسازی و عمران شهری - آیین نامه پیش آمدگی های ساختمانی در گذرها - آیین نامه طراحی ساختمان در برابر زلزله - آیین نامه حفاظتی کارگاه های ساختمانی - نشریات سازمان مدیریت و برنامه ریزی</p>	<p>- ماده ۱ و ۳ قانون تغییر نام وزارت مسکن - ماده ۱ قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری - ماده ۱۸ قانون تشکیل شورای آموزش و پرورش - ماده ۳۳ قانون نظام مهندسی - مواد ۲ و ۱۴ آیین نامه جلوگیری از آلودگی آب - مواد ۶ و ۵ قانون آثار ملی - مواد ۸، ۷، ۹ و ۱۰ نظام نامه اجرایی قانون حفظ آثار ملی - مواد ۱۳۷ و ۱۳۳ از قانون برنامه سوم توسعه - آیین نامه اجرایی بند ج ماده ۱۹۳ قانون برنامه سوم - بند الف ماده ۱۶۳ قانون برنامه سوم - آیین نامه مربوط به بستر رودخانه ها کانال ها مرداب ها - ماده ۳۳ قانون برنامه و بودجه کشور</p>
<p>طرح جامع و هادی</p> <p>- ضوابط منطقه بندی - ضوابط مربوط به نحوه استفاده از زمین - مثل ابعاد حیاط و... - مقررات مشترک مورد عمل در تمام یا بعضی از مناطق - سایر مقررات و ضوابط لازم در رابطه با شرایط و مقتضیات خاص از قبیل تعیین جهات مناسب برای قطعه بندی زمین و استقرار ساختمان ها و معابر و دسترسی ها^{۴۵}</p>	<p>مصوبات شورای عالی شهرسازی</p> <p>- ضوابط و مقررات افزایش تراکم و بلندمرتبه سازی ۱۳۶۹/۱۰/۲۴ - الگوی تهیه ضوابط و مقررات اجرایی طرح های جامع و هادی مصوب ۱۳۷۰/۲/۱۶ و ۱۳۷۰/۲/۹ و ۱۳۷۰/۶/۴ - مشخصات پهنه بندی اقلیمی ایران و روش های کلی طراحی در... ۱۳۷۰/۳/۱۲</p>
<p>- ضوابط و مقررات منطقه بندی مسکونی شهرها به مجتمع آپارتمانی، چند خانواری... ۱۳۷۰/۲/۱۴ - آیین نامه طراحی راهها و خیابان های شهری ۱۳۷۳/۹/۷ - ضوابط احداث ساختمان های شش طبقه و بیشتر در شهر تهران ۱۳۷۹/۲/۲۳ و ۱۳۷۷/۱۱/۵ - ضوابط و مقررات شهرسازی و معماری برای افراد معلول جسمی حرکتی ۱۳۷۸/۹/۲۲ - الگوی سطح بندی مناطق و مراکز روستایی و استانداندها و ضوابط ارائه خدمات روستایی کشور ۱۳۷۸/۱۰/۶ - دستورالعمل کنترل تراکم ساختمانی و تعیین سطح اشغال در مناطق مسکونی</p>	<p>- تفهیر ماده ۵ قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ۱۳۵۰/۲/۲۷ - دستورالعمل تشخیص اساس طرح جامع ۱۳۶۳/۱۲/۲۳ - ضوابط مکان یابی شهرهای جدید ۱۳۶۸/۱۰/۲۵ - طراحی مسیر مخصوص عبور دوچرخه در شهرهای بالای پنجاه هزار نفر جمعیت ۱۳۶۹/۸/۲۸ - ضوابط و مقررات شهرسازی و معماری اسلامی ایران ۱۳۷۵/۷/۲</p>

۴۵. مصوبه مورخ ۱۳۸۰/۲/۹ شورای عالی شهرسازی و معماری.

ت ۴. پیوست شماره یک، ارائه مثال هایی از سطوح انتزاع قوانین.

منابع و مآخذ

- الکسندر، کریستوفر. *تئوری جدید طراحی شهری*. ترجمه مهندسین مشاور طاش، تهران: توسعه، ۱۳۳۳.
- _____ . *معماری و راز چارداگی*. ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱.
- پژوهشگاه توسعه کالبدی شهری و منطقه‌ای، پژوهش و تدوین قانون جامع معماری و شهرسازی ایران، بخش دوم، بررسی تطبیقی نظامات و قوانین شهرسازی کشورهای فرانسه، انگلستان، آمریکا، آلمان و سوئد. ج ۲ و ۵ تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۸۶.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. *ترمیولوژی حقوق*. ج ۷. تهران: گنج دانش، ۱۳۷۴.
- چلبی، مسعود. *جامعه‌شناسی نظم*. تهران: نشر نی، ۱۳۷۵.
- حسینی، سیدعلی. *مبانی فنی و اجرایی حقوق شهری و منطقه‌ای در ایران*. ج ۱. تهران: حق شناس، ۱۳۸۵.
- سیاوش پور، بهرام. *آزادی در معماری نگرشی بر آزادی معماران در مواجهه با نظم عمومی*. رساله دکتری معماری. استاد راهنما: هادی ندیمی و محمود رازجویان. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده معماری و شهرسازی، شهریور ۱۳۸۹.
- شالی امینی، وحید. «تأثیر قوانین شهرسازی و مدیریت شهری در سیمای پایتخت فرانسه». در *معماری و فرهنگ*، ش ۵ (۱۳۷۹)، ص ۱۰-۱۴.
- عبادی، شیرین. *حقوق معماری*. ج ۱. تهران: روشن گران، ۱۳۷۱.
- کاتوزیان، ناصر. *کلیات حقوق*. ج ۱. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۷.
- کاتوزیان، ناصر. *فلسفه حقوق*. تهران: بهنشر، ۱۳۶۵.
- گیدین، زیگفرید. *فضا، زمان و معماری*. ترجمه منوچهر مزینی. ج ۳. تهران: شرکت علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵.
- مطهری، مرتضی. *مجموعه گفتارهای استاد مطهری*. تهران: صدرا، ۱۳۶۱.
- مطهری، مرتضی. *آزادی معنوی*. تهران: صدرا، ۱۳۸۶.
- نبوی، مصطفی. *تمرکز و عدم تمرکز اداری در ایران*. ج ۱. تهران: خواجه، ۱۳۸۲.
- قوانین شهرسازی در انگلستان، فرانسه و ایالات متحده آمریکا. ج ۴. تهران: واحد شهرسازی و معماری دفتر مطالعات و معیارهای شهرسازی وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۵۷.

وودکاک، جورج. *آثار شیسسم*. ترجمه هرمز عبدالهی. ج ۱. تهران: معین، ۱۳۸۶.

هايز، توماس. *لویاتان*. ترجمه حسین بشیریه. تهران: نشر نی، ۱۳۸۰.

هاشمی، فضل الله. *حقوق شهری و قوانین شهرسازی*. ج ۱. تهران: مرکز تحقیقات شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۶۷.

Alexander, C. *The Oregon Experiment*. New York: Oxford University Press, 1976.

_____. *The production of houses*. Oxford University Press, 1985.

Dovey, K. and S. Dickson, "Architecture & freedom. programmatic innovation in the work of Koolhaas". in *OMA, Journal of Architecture education*, (2002), pp. 5-13.

Reynolds, P. D. *A Primer in Theory Construction*. The Bobbs-Merrill Company, inc.

Turner, J. F. C. *Housing by People*. a Marion Boyars Book, 1976.

Wulz, F. "The Concept Of Participation". International Design participation Conference, 22, 4 APRIL 1985.